

[**احکام قبله** 1](#_Toc502515305)

[**ادامه جهت خامسه** 1](#_Toc502515306)

[***أدله مشهور بر نماز به چهار جهت، در فرض عدم امکان تحصیل ظنّ*** 1](#_Toc502515307)

[**قاعده اشتغال** 2](#_Toc502515308)

[**مناقشه** 2](#_Toc502515309)

[**عدم شمولیت «ما بین المشرق و المغرب قبله» نسبت به جاهل ملتفت** 3](#_Toc502515310)

[**توجیه نظر مشهور بر طبق نظر مرحوم بروجردی** 5](#_Toc502515311)

[**اشاره به روایتی به نفع مرحوم بروجردی** 6](#_Toc502515312)

[**روایت مصلوب** 6](#_Toc502515313)

[**عدم مناسبت تعلیل روایت با حکم** 8](#_Toc502515314)

[**وجه مناسبت تعلیل با حکم طبق نظر علامه مجلسی** 8](#_Toc502515315)

**موضوع**: أدله مشهور بر نماز به چهار جهت در فرض عدم امکان تحصیل ظنّ /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

**ادامه جهت خامسه**

***أدله مشهور بر نماز به چهار جهت، در فرض عدم امکان تحصیل ظنّ***

بحث راجع به این بود که اگر تحصیل ظنّ به قبله ممکن نبود؛ مشهور (از جمله صاحب عروه) فرموده اند که مکلف باید به چهار طرف نماز بخواند، ولی برخی از بزرگان (مثل محقق اردبیلی و در بین معاصرین مرحوم خویی، مرحوم استاد و آقای سیستانی) فرموده اند اگر به یک جهت نماز بخواند کافی است.

دلیل مشهور دو أمر می تواند باشد: قاعده اشتغال و روایات؛

**قاعده اشتغال**

وقتی نمی دانید قبله کدام سمت است اگر به یک سمت نماز بخوانی نماز نحو القبله احراز نمی شود و تکلیف به نماز نحوالقبله یقینی است و اشتغال یقینی مقتضی برائت یقینی است.

**بزرگانی که می گویند اگر به یک سمت نماز بخوانیم کافی است؛**

در جایی که متحیّر محض هستیم می گویند روایت داریم که «یجزی المتحیّر أینما توجّه اذا لم یعلم أین وجه القبله» و این روایت بر قاعده اشتغال مقدّم است: تعبّد بر حکم عقل مقدّم است.

ولی در جایی که متحیّر محض نباشیم و بدانیم قبله یکی از این سه جهت یا دو جهت است؛ ظاهر کلمات این بزرگان (حتی مرحوم خویی، مرحوم استاد و آقای سیستانی) این است که باید احتیاط کنیم و در این صورت قاعده اشتغال را قبول کرده اند و تنها در جایی که متحیّر محض باشیم به خاطر تعبّد خاص از قاعده اشتغال دست برداشته اند.

و لذا باید در تطبیق قاعده اشتغال دقّت کنیم زیرا ما هم بر فرض این روایت صحیحه را قبول کنیم –که قبول خواهیم کرد- چه بسا ادّعا می شود که این روایت برای متحیّر محض است و شامل کسی که می داند قبله به این جهت معیّن نیست و أمر قبله دائر بین دو جهت یا سه جهت (و نه چهار جهت) است نمی شود و باید به قاعده اشتغال رجوع کنیم.

و لذا گفته می شود که قاعده اشتغال اقتضا می کند که در این چهار جهت به هر جهتی که احتمال می دهیم به سمت قبله باشد یک نماز بخوانیم؛ اگر در هر کدام از این چهار جهت احتمال قبله است چهار نماز می خوانیم واگر احتمال قبله در سه جهت می دهیم سه نماز می خوانیم و اگر احتمال قبله در دو جهت بدهیم دو نماز می خوانیم.

**مناقشه**

تارةً می گویید «ما بین المشرق و المغرب قبلة» (که در صحیحه زراره آمده است.) مطلق است و تارةً می گویید«ما بین المشرق و المغرب قبلة» مختص به ناسی یا جاهل غافل یا جاهل مرکّب است و شامل جاهل ملتفت نمی شود؛

**اگر بگویید مطلق است و شامل جاهل ملتفت هم می شود؛**

در جواهر گفته اند که لازم نیست به چهار سمت نماز بخوانیم بلکه اگر به سه سمت نماز بخوانیم کافی است زیرا اگر سه نماز با اختلاف 120 درجه بخوانیم انحراف قبله 60 درجه و کمتر می شود زیرا قبله در هر جهتی که باشد نسبت آن به سه نماز به 90 درجه نمی رسد بلکه 60 درجه و کمتر است؛ یعنی یا یکی از این سه نماز رو به قبله است و یا یکی از این سه نماز تا قبله کمتر از 90 درجه فاصله دارد. بله اگر دو نماز بخوانیم احتمال دارد که فاصله نماز تا قبله به 90 درجه برسد ولی اگر سه نماز بخوانیم جزم پیدا می کنیم که انحراف بین یکی از این نماز ها با قبله کمتر از 90 درجه است.

**و اگر بگوییم ما بین المشرق و المغرب قبلة شامل جاهل ملتفت نمی شود**:

مرحوم خویی فرموده است باید هفت نماز بخوانیم؛ زیرا یقیناً در یکی از این هفت نماز، سبع دائرة الرأس ما به سمت قبله است: یعنی یا نماز به سمت قبله بوده است و یا انحراف نماز از قبله بیش از 26 درجه نیست. (فاصله بین هر دو نماز 52 درجه می شود)

**جا داشت در این جا مرحوم خویی مطلبی را بیان کنند :**

ایشان نظر صاحب عروه در مسأله «إذا حصر القبلة في جهتين‌» را قبول کرده اند که به دو جهت نماز را تکرار می کند؛ یعنی ایشان در جایی که می داند قبله یکی از این دو جهت یا یکی از این سه جهت است، قبول کرده است که باید احتیاط کرد؛ که ظاهر این کلام این است که روایت «یجزی المتحیّر أینما توجّه» را ظاهر در متحیّر مطلق گرفته است زیرا تعبیر کرد «أینما توجّه» که اطلاق این جمله می رساند که همه جهات مشتبه بوده است.

جا داشت ایشان نسبت به این فرض که علم داریم قبله به یکی از دو جهت یا یکی از سه جهت است، بحث کند که؛

اگر «ما بین المشرق و المغرب قبلة» شامل جاهل ملتفت نمی شود باید احتیاط کند و به گونه ای نماز بخواند که احتمال انحراف از قبله کمتر از 26 درجه باشد که در مواردی که دو جهت مردّد، 52 درجه فاصله داشته باشند، یک نماز هم کفایت می کند.

و اگر «ما بین المشرق و المغرب قبلة» شامل جاهل ملتفت می شود؛ در بحث اشتباه قبله در چهار جهت، سه نماز کافی بود و در اینجا که قبله در دو جهت مشتبه است دو نماز کافی است و گاهی یک نماز کافی است مثل این که فاصله بین دو جهت مردّد، کمتر از 180 درجه باشد که اگر یک نماز در وسط این دو جهت خوانده شود کفایت می کند.

**عدم شمولیت «ما بین المشرق و المغرب قبله» نسبت به جاهل ملتفت**

**نکته:** به نظر ما «ما بین المشرق و المغرب قبلة» اطلاق ندارد و شامل جاهل ملتفت نمی شود زیرا جزماً یا احتمالاً این تعبیر به حسب ارتکاز متشرّعی به فرض غفلت و نسیان انصراف دارد؛

در صحیحه زراره داریم که: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ لَهُ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ- وَ لَا تَقَلَّبْ بِوَجْهِكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَتَفْسُدَ صَلَاتُكَ- فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ فِي الْفَرِيضَةِ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ- وَ حَيْثُ ما كُنْتُمْ فَوَلُّوا‌ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَ قُمْ مُنْتَصِباً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ- مَنْ لَمْ يُقِمْ صُلْبَهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ- وَ اخْشَعْ بِبَصَرِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَرْفَعْهُ إِلَى السَّمَاءِ- وَ لْيَكُنْ حِذَاءَ وَجْهِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ.[[1]](#footnote-1)

وقتی این روایت را بیان می کنند و در کنار آن می گویند: «ما بین المشرق و المغرب قبلة»؛ هر چند کنار این جمله عالم و جاهل نیامده است ولی عرف می فهمد که این جمله یک قیدی دارد و اطلاق در مورد آن منعقد نمی شود و قدر متیقّن این است که این جمله برای ناسی یا غافل یا جاهل مرکّب باشد و شامل جاهل متردّد نمی شود. و خود فقهاء هم قائل به کفایت نماز به کمتر از90 درجه برای جاهل متردّد نشده اند.

**نکته**: این که در روایت از حدّ قبله سوال می کند و در جواب می گوید: «ما بین المشرق و المغرب قبلة»، می خواهیم ببینیم برای چه کسی حدّ قبله این مقدار است و به قرینه موثقه عمار (که می گوید اگر ملتفت نباشد و ما بین المشرق و المغرب نماز خواند، نماز صحیح است ولی به مجرّد التفات به سمت قبله حقیقی متوجّه بشود.) می فهمیم که مراد از «ما بین المشرق و المغرب قبلة» عالم به قبله نیست. و با انصراف هم جاهل متردّد را خارج کردیم لذا در نهایت روایت «ما بین المشرق و المغرب قبلة» تنها شامل ناسی، غافل و جاهل مرکّب می شود.

لذا انصاف این است که اطلاق «ما بین المشرق و المغرب قبلة» نسبت به جاهل ملتفت مشکل است.

**و وقتی اطلاق نداشت، مرحوم خویی فرموده است که**: اگر نمی داند قبله به کدام یک از این چهار جهت است مقتضای قاعده اشتغال این است که هفت نماز بخواند.

 **که عرض کردیم؛** اگر متردّد بین سه جهت باشد این طور نیست که سه نماز کافی باشد زیرا فاصله بین این سه نماز به سه جهت، 90 درجه می شود نه 52 درجه. یا اگر قبله متردّد بین دو جهت روبرو و دست راست باشد دو نماز کافی نیست زیرا فاصله بین دو نماز 90 درجه است بله اگر یک نماز دیگر هم در وسط بخواند خوب است.

مرحوم خویی به این مطلب نیاز دارد زیرا ظاهر کلام ایشان این است که یجزی المتحیّر را مختص متحیّر مطلق می داند که هیچ کدام از جهات أربع برایش مشخص نیست که طرف قبله نباشد. لذا اگر می داند قبله به یک جهت نیست و در جهات دیگر قرار دارد دیگر متحیّر مطلق نیست و باید به مقتضای قاعده عمل کند.

**توجیه نظر مشهور بر طبق نظر مرحوم بروجردی**

**مرحوم بروجردی می فرمود**؛ مراد از «ما بین المشرق و المغرب قبلة» این است که 90 درجه ی جهت جنوب قبله می شود یعنی 45 درجه انحراف از قبله از طرف راست و 45 درجه انحراف از قبله از طرف چپ معفوّ است.

طبق بیان مرحوم بروجردی فتوای مشهور علی القاعده می شود؛ اگر هیچ کدام از جهات أربع معلوم نباشد و اشتباه بین چهار جهت باشد اگر چهار نماز بخواند؛ یا یکی از این نماز ها رو به قبله است و یا این که انحراف یکی از این نماز ها از قبله بیشتر از 45 درجه نیست.

**ولی ما قبلاً اشکال کردیم که استظهار ایشان خلاف ظاهر است**؛ زیرا عرفاً با انحراف 45 درجه از قبله، استقبال قبله صدق نمی کند. و روایت «ما بین المشرق و المغرب قبلة» هم این مطلب را نمی رساند و ظاهرش این است که اگر قبله بین یمین و یسار مصلی باشد نماز صحیح است یعنی انحراف کمتر از 90 درجه معفوّ است و این روایت بر نسیان و جهل مرکب حمل می شود و شامل جاهل ملتفت نمی شود.

**خلاصه وجه أول مشهور و اشکال آن این شد که**: اگر یک نماز بخوانیم احراز نمی کنیم که صلاة نحو القبله امتثال شده است و لذا باید چهار نماز بخوانیم. اشکال شد که چرا چهار نماز بخواند؛ اگر «ما بین المشرق و المغرب قبلة» را مطلق می دانیم سه نماز کافی است و اگر مطلق نمی دانیم و می گوییم جاهل ملتفت را شامل نمی شود در این صورت چهار نماز کافی نیست؛ مرحوم خویی فرمودند هفت نماز بخواند ولی ما می گفتیم هفت نماز هم کافی نیست. ولی مرحوم بروجردی می تواند از نظر مشهور دفاع کند که: مراد از «ما بین المشرق و المغرب» جهت جنوب است لذا علی القاعده در حال التفات و در حال تمکّن از تحصیل علم هم می توانی به چهار سمت نماز بخوانی و مجزی است. عرض ما این بود که: کلام مرحوم بروجردی خلاف ظاهر روایت بود که جهت مشرق و مغرب مراد باشد.

**اشاره به روایتی به نفع مرحوم بروجردی**

البته جا دارد در اینجا که کلام مرحوم بروجردی را بیان کردیم روایتی را ذکر کنیم که ممکن بود ایشان برای اثبات کلام خود به این روایت استدلال کنند که مراد از «ما بین المشرق و المغرب قبلة» جهت جنوب است یعنی ما بین جهت مشرق که 90 درجه است و جهت مغرب که 90 درجه است؛ ما بین این دو جهت، که جهت جنوب می شود، قبله است (نه آن که ما معنا می کنیم که نقطه مشرق و نقطه مغرب می گیریم و طرف راست و چپ معنا می کنیم.)؛

ابتداءً تذکّر می دهیم که ایشان خواستند با تصویر فلکی این روایت را توجیه کنند که در ابتدای زمستان خورشید هنگام طلوع و غروب 23 درجه و نیم زیر خط استوا قرار می گیرد و این روایت نظر به این فرض دارد لذا فرض روایت، بین این مشرق و مغرب در ابتدای زمستان است که جهت جنوب می شود. ما اشکال کردیم که اگر 23 درجه و نیم از هر طرف از خط استوا پایین بیاییم و از 180 درجه کم کنیم 133 درجه باقی می ماند نه این که 90 درجه باقی بماند و فاصله بین مطلع الشمس و مغرب الشمس ربع الدائره باشد. و لذا ما بیان مرحوم بروجردی را بر یک بیان عرفی حمل کردیم و به خاطر عظمت ایشان، حمل بر وجه أحسن کردیم و گفتیم مقصود ایشان، بیان عرفی بوده است و خواسته وجه فلکی هم برای آن بیان کند که تمام نبوده است.

**روایت مصلوب**

أما مطلب أصلی این است که: روایتی صحیحه راجع به صلاة بر مصلوب وجود دارد که چه بسا بر مدّعای مرحوم بروجردی دلالت کند؛

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا ع عَنِ الْمَصْلُوبِ فَقَالَ- أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي ع صَلَّى عَلَى عَمِّهِ- قُلْتُ أَعْلَمُ ذَلِكَ وَ لَكِنِّي لَا أَفْهَمُهُ مُبَيَّناً- فَقَالَ أُبَيِّنُهُ لَكَ إِنْ كَانَ وَجْهُ الْمَصْلُوبِ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ- وَ إِنْ كَانَ قَفَاهُ إِلَى الْقِبْلَةِ فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ- فَإِنَّ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ قِبْلَةً- وَ إِنْ كَانَ مَنْكِبُهُ الْأَيْسَرُ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ- وَ إِنْ كَانَ مَنْكِبُهُ الْأَيْمَنُ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ- وَ كَيْفَ كَانَ مُنْحَرِفاً فَلَا تُزَايِلَنَّ مَنَاكِبَهُ- وَ لْيَكُنْ وَجْهُكَ إِلَى مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ- وَ لَا تَسْتَقْبِلْهُ وَ لَا تَسْتَدْبِرْهُ الْبَتَّةَ قَالَ أَبُو هَاشِمٍ- وَ قَدْ فَهِمْتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَهِمْتُهُ وَ اللَّهِ.[[2]](#footnote-2)

أبی هاشم جعفری: داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، أبو هاشم الجعفري‌ رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة، روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام.[[3]](#footnote-3)

قبلاً که شخصی را به دار می آویختند دستان او را به صلیبی می بستند و آن قدر می ماند تا از گرسنگی و تشنگی و سرما و گرما جان بدهد و مدّت ها همین طور زنده می ماند تا جان می داد. زید را همین کار کردند و بعد که شهید شد امام صادق علیه السلام بر او نماز خواند؛

**امام رضا علیه السلا می فرماید**: آیا نمی دانی که امام صادق علیه السلام بر زید مصلوب نماز خواند. راوی می گوید می دانم ولی کامل برایم روشن نیست. حضرت فرمود برایت توضیح می دهم؛ اگر صورت مصلوب رو به قبله است کنار منکب أیمن و شانه راست او بایستد و نماز میّت بخوان. و اگر پشت او به قبله باشد کنار منکب أیسر رو به قبله بایستد (که همان جای أول مصلّی می شود و تنها میّت پشت به قبله شده است)؛ فإن بین المشرق و المغرب قبلة؛

**این تعلیل با بیان مرحوم بروجردی می سازد:** یعنی به سمتی بایست که جهت جنوب است وگرنه این معنا که کمتر از 90 درجه از طرف راست و کمتر از 90 درجه از سمت چپ قبله است، ربطی به این حکم ندارد زیرا گفت اگر مصلوب پشت به قبله است کنار شانه چپ او رو به قبله بایست و ربطی به این ندارد که بگوید بین یمین و یسار قبله است. لذا معلوم می شود که حضرت می خواهد تذکّر دهد که هر چند لازم نیست دقیقاً رو به قبله بایستی ولی جهت جنوب را فراموش نکن.

**بعد در ادامه روایت می گوید**: اگر منکب أیسر میّت سمت قبله است (یعنی دست چپ او به سمت قبله است) کنار منکب أیمن میّت بایست و نماز بخوان. ولی اگر منکب أیمن رو به قبله است (یعنی دست راست او به سمت قبله است) کنار منکب أیسر او بایست و نماز بخوان؛ و این میّت هر طور انحرافی داشته باشد از منکبش دور نشو ولی حد المقدور کنار منکب أیسر بایست(زیرا وقتی نماز بر میّت می خوانیم کنار یسار میّت نماز می خوانیم لذا در مصلوب هم باید یسار میّت کنار مصلّی باشد) و اگر نشد کنار منکب أیمن بایست، و باید وجه تو بین مشرق و مغرب باشد یعنی به جهت جنوب باشد و مبادا روبروی مصلوب یا پشت به مصلوب نماز بخوانی.

**عدم مناسبت تعلیل روایت با حکم**

ما واقعاً در عین این که گفتیم شاید این روایت فرمایش مرحوم بروجردی را تقویت می کند ولی هر چه حساب می کنیم نمی فهمیم که: «ما بین المشرق و المغرب قبلة» چه مناسبی دارد که تعلیل این حکم شود.

**وجه مناسبت تعلیل با حکم طبق نظر علامه مجلسی**

**مرحوم علامه مجلسی فرض بعیدی برای مناسبت این تعلیل مطرح کرده اند که**؛

چون مصلوب در عراق بوده است و قبله عراق از جنوب متمایل به غرب است؛ این مصلوب دقیقاً در جنوب بوده است و «ان کان وجهه إلی القبله» یعنی وجه میّت رو به جنوب بوده است و انحراف در نظر گرفته نشده است یعنی موقع اذان ظهر وجه مصلوب روبروی خورشید بوده است و برای رعایت قبله مجبوریم به سمت راست منحرف شویم زیرا اگر بخواهیم دقیق موازی مصلوب بایستیم انحراف قبله عراق به سمت غرب حفظ نشده است؛ حال که باید منحرف شویم با توجّه به این که نباید روبروی مصلوب و پشت به مصلوب کنیم، دو فرض منکب أیمن و منکب أیسر باقی می ماند؛

در این فرض که وجه مصلوب رو به قبله است؛ باید کنار منکب أیمن بایستیم و کمی به طرف راست منحرف شویم تا قبله عراق را مراعات کرده باشیم؛ زیرا اگر به سمت چپ بیاییم و بخواهیم به سمت غرب و سمت راست برگردیم روی ما به مصلوب می افتد و اگر بخواهیم به سمت چپ یعنی مشرق منحرف شوید که أصلاً انحراف از قبله پیدا می کنیم.

حال اگر وجه مصلوب پشت به قبله باشد: باید کنار منکب أیسر قرار بگیریم و کمی به طرف مغرب و راست منحرف شویم زیرا اگر بخواهیم کنار منکب أیمن بایستیم و کمی به راست متمایل شویم روی ما به مصلوب می افتد.

تأمّل کنید؛ ما این فرمایش را متوجّه نمی شویم زیرا انحراف در عراق از جهت جنوب حدود ده درجه است و این ده درجه چگونه می خواهد ما بین المشرق و المغرب قبلة، را درست کند؟

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص313، أبواب القبلة، باب9، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/313/%D8%A8%D9%88%D8%AC%D9%87%DA%A9) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص130، أبواب صلاة الجنائز، باب35، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/130/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B5%D9%84%D9%88%D8%A8) [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج0، ص157.](http://lib.eshia.ir/14028/0/157/%D8%B9%D8%B8%DB%8C%D9%85) [↑](#footnote-ref-3)